

نگاه

آفتاب از کدام طرف برآمده؟

بهزاد صابری

● برای بسیاری از ناظران و تحلیلگران در کشورمان، فارغ از تعلق به جناح‌های سیاسی مختلف، یاقشاری کشورهای اروپایی در قبال مواضع ناپرخنده آمریکای ترامپ درباره برجام چندان قابل هضم نبوده است. گروهی این مواضع را تاکتیکی، موقت و حتی فریبکارانه خوانده‌اند و گروهی در مقابل سعی کرده‌اند با اشاره به منافع سرشار اقتصادی که در دوره پس‌ابرجام از رابطه تجاری با ایران نصیب اروپا شده است، این مواضع را تحلیل کنند و طبیعتاً هم پاسخ شنیده‌اند که با توجه به حجم عظیم روابط اقتصادی اروپا با آمریکا، اروپا هرگز آمریکا را به‌خاطر ایران رها نخواهد کرد. در این میان برخی تحلیل‌ها هم به گوش می‌رسد. نظیر اینکه دلیل این مواضع قاطع اروپایی‌ها را باید در شخصیت فردی برخی افراد نظیر سرخايم موگربني جست‌وجو کرد که در جوانی تعلق خاطری به اردوگاه چپ داشته است و به همین سبب است که در برابر آمریکا ایستادگی می‌کند. البته این قبیل تحلیل‌ها گزاره‌های مقدماتی غلطی ندارند و کسی هم نمی‌تواند نقش اشخاص را در تدوین سیاست‌ها به‌طورکلی انکار کند، اما فروکاستن چنان موضوع مهمی به این قبیل تحلیل‌ها به نظر چندان مفید و منطقی نمی‌رسد. از نظر نگارنده، برای داشتن تحلیل درست و دقیق نسبت به موضوع و پرهیز از سوءبرداشت‌هایی که ممکن است موجب سردرگمی شود، باید موضع و نگاه اروپایی‌ها به برجام را از دو جنبه کاملاً متمایز نگریست. یک جنبه مسئله، نگاه آنها به محتوای این توافق و خروجی آن است. اینکه آیا این توافق، از نگاه آنها توافق خوبی است یا نه، اینکه آیا نگرانی ادعایی که آنها نسبت به برنامه هسته‌ای ایران ابراز می‌داشتند، با این توافق مرتفع می‌شود یا نه، اینکه آیا به اثر این توافق و گسترش روابط تجاری میان ایران و اروپا، منافع شایان‌توجهی به لحاظ اقتصادی نصیب کشورهای عضو اتحادیه اروپایی شده است یا خیر و قس‌علی‌هذا. آشکارا به نظر می‌رسد پاسخ همه این سؤالات‌ها مثبت است. از نظر اروپا این توافق اولاً خاص موضوع هسته‌ای است و به حوزه‌های دیگر اختلاف نظر از قبیل مسائل موشکی و منطقه‌ای ارتباطی ندارد و در حوزه هسته‌ای هم به میزان قابل قبول، رافع نگرانی‌های احتمالی و ادعایی است و بله توافق‌های صنعتی و تجاری پس از برجام حتماً در جهت منافع اقتصادی اروپاییان هم هست، اما مسئله به اینجا ختم نمی‌شود. یعنی این همه، در حدی نیست که مانع همگرایی اروپا با متحد قدرتمند و دیرینه خود یا به تعبیری کدخدایشان، یعنی آمریکا شود. دلیل اصلی این واگرایی اروپا با آمریکا بر سر برجام را باید از منظر دیگری دید و آن هم، نگاه ساختارگرا و نظاممند اروپا به جامعه بین‌المللی و نظم مبتنی بر هنجارهای حاکم بر آن است. در برابر نگاه ساختارشکن، آتارشیستی و خودمحور دولت جدید آمریکا، به عبارت دیگر، از این منظر دعوا صرفاً بر سر ایران و برجام نیست، بلکه برجام تبدیل به یکی از مهمترین مصداقی‌ها و شاخصه‌های آن اختلاف نظر اساسی میان اروپاییان با دولت جدید آمریکا بر سر نحوه مدیریت جهان و مواجهه با چالش‌های آن است.

ادامه در صفحه ۱۹

politics@sharghdaily.ir

د دیپلماسی

دو دیپلمات در پاسخ به «شرق» عملکرد اروپا را درباره برجام تحلیل کردند

دردسر آمریکایی اروپایی‌ها

شرق، ژنپ اسماعیلی: آیا رفتار و واکنش اروپا مقابل موضع‌گیری‌های ضدبرجامی آمریکا، نشانه‌ای از شکاف بین این دو قدرت است یا اینکه فعلاً تاکتیکی است که در پیش گرفته شده است؟ بعد از اعلام مواضع ترامپ درباره ایران، اتحادیه اروپا و کشورهای اروپایی وارد فازي از همراهی با برجام شدند و برای اقناع ترامپ و کنگره آمریکا کوشیدند آمریکا را متقاعد کنند برجام را بدون هیچ تغییری به پیش ببرد. سران اروپایی در نشستي در بروکسل بر استعمار برجام تأکید کردند و خواستار این شدند که کنگره نیز برجام را با همین شکل فعلی ادامه دهد. اگرچه آنها ادعاهایی درباره فعالیت‌های منطقه‌ای ایران مطرح کردند که با پاسخ مقامات مسئول ایران مواجه شد. در همین شرایط قرار است فدریکا موگرینی در سفری به واشنگتن در این زمینه مذاکراتی با اعضای کنگره و مقامات آمریکایی داشته باشد. معاون او، هلگا اشمید نیز قرار است به تهران سفر کند. محمدجواد ظریف نامه‌ای مبنی بر شکایت از بدعهدی‌های آمریکا به کمیسون مشترک

زمینی برای خودنمایی مکرون



محمدحسین ملایک
سفر اسبق ایران
در سونویس و چین

۱. رفتار آقای ترامپ به همراه قدرت آمریکا و نظامیان نشست به مناسب قدرت در آن کشور پدیدهای است که ابهام در چگونگی واکنش به آن را در سراسر جهان گسترش داده است، لاجرم هر کشوری برای رویارویی حتی دیپلماتیک با آمریکا وادار به تفکری دوباره می‌شود. تاکنون غیر از کره شمالی که یک نوع توازن را بر بخورده‌با آمریکا نگاه داشته،کشورهای دیگر سعی کرده‌اند به‌نوعی از مواجهه مستقیم با آمریکا پرهیز کنند، از جمله چین که تاکنون سعی کرده از رویارویی با شخص ترامپ حذر کند. ایران نیز از جمله کشورهایی بود که بعد از انتخاب ترامپ سعی کرد با او درگیر نشود، اما ایشان بعد از حضور در عربستان که لغای‌های شدید علیه ایران داشت، در سخنانی خود در مجمع عمومی و سپس اعلام سیاست‌های آمریکا درباره ایران و نحوه برخورد با برجام، دیگر گزینه‌ای برای ممانشات برای ایران باقی نگذاشت و مفتخر به صفت «شاراللاتان» از سوی مسئولان ایرانی شد؛ بنابراین ایران و آمریکا از زاویه ردوبدل اتهام به یکدیگر با به‌کارگیری الفاظ ناشایست وارد مرحله اول یک رویارویی شده‌اند. نتایج این رویارویی به‌هرحال نمی‌تواند آرامش در روابط دو کشور باشد و می‌تواند به منطقه خاورمیانه نیز سربایت کند. تحولات منطقه مستقیم بر محیط امنیتی اروپا تأثیر دارد و اروپا بیشترین خطر را به‌طور عینی و جدی احساس می‌کند. اروپا جدا از اینکه در همین فضا قرار گرفته، می‌کوشد از حداقل‌های قابل اطمینان و قابل حصول حفاظت کند. این حداقل صورت فعلی برجام است. به نظر نمی‌رسد جامعه سیاست‌ورز آمریک علاقه‌ای به ازبین‌بردن این توافق چندجانبه داشته باشد که کمترین خاصیت آن تضمین و قول دائمی ایران برای پیگیری‌نکردن هرگونه سلاح اتمی در آینده است، اما دولت آمریکا فضا را جوری متشنج کرده که گزینه خارج‌شدن از برجام گزینه اول به نظر می‌رسد. اروپا از برجام به‌دلیل کنترلی که بر برخی از رفتارهای ایران که نامتعارف می‌شود، خوانند، اعمال می‌کند، حمایت کرده و دگرگونی آن را توسعه درگیری در خاورمیانه و احتمال وقوع جنگ دیگری می‌داند. از طرف دیگر، اروپا به درستی می‌داند که دولت فعلی آمریکا تحت تأثیر سیاست‌های راست افراطی و صهیونیستی که در خود اروپا قری در کنترل قرار گرفته، قرار دارد که بسیار غیرمسنولانه عمل می‌کند؛ بنابراین از

طریق حفظ برجام و کار با نمایندگان کنگره سعی دارد سیاست‌های ضدجنگ خود را به پیش برد. از طرف دیگر خروج آمریکا از برجام به مفهوم پایان چندجانبه‌گرایی در جهان و ازبین‌رفتن نظم لیبرال است. جایی که چین آرام آرام دارد نسخه همکاری خود را به جهان توصیه می‌کند و می‌تواند جایگزینی بر هنجارهای فعلی باشد. ۲. رهبران اروپایی شامل انگلیس به‌طور جد به‌دنبال کنترل راست افراطی در کشورهای خود و محدودکردن آن در آمریکا هستند و از این منظر سعی در بستن یکی از جبهه‌های گشوده‌شده از سوی این جناح دارند. از بین کشورهای فوق فرانسه و انگلیس از استقلال سیاسی بیشتری برخوردارند و از بین این دو فرانسه به‌طور اصولی زمینه بیشتری برای خودنمایی سیاسی دارد. انگلستان اساساً علاقه‌ای به رقابت با آمریکا در هیچ زمینه‌ای نشان نمی‌دهد. اما در مورد این سؤال بعید است کسی به این امید داشته باشد که در صورت تصمیم قطعی دولت آمریکا به ورود به درگیری با ایران، اروپا در مقابل ترامپ باشد. اگر اروپا با آمریکا همراهی نکند، حمایتی از ایران نخواهد کرد.

۳. فرانسه بعد از برجام بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاری‌ها را از زاویه انتقال پول به ایران انجام داده که نیازمند حمایت رهبران این کشور از آنهاست. در حالی که سایر کشورهای اروپایی شامل آلمان با وجود گسترش تجارت، سرمایه‌گذاری‌های کوچکی انجام داده‌اند که قابل مقایسه با فرانسه نیست. بنابراین از زاویه منافع ملی آقای مکرون باید پیشرو در این اقدامات باشد. البته فرانسه در اتحادیه اروپا چه در مقیاس اقتصاد و چه در عملکرد تحت‌الشعاع آلمان است اما همیشه فرانسوی‌ها استقلال عمل سیاسی بیشتری نسبت به آلمان در خود احساس می‌کنند و این احتمال هم وجود دارد که بخواهند کسری توان اقتصادی خود را با قدرت سیاسی جبران کنند. ۴. من مکر می‌کنم کنگره آمریکا با دخالت‌های اروپا و شخص خانم موگرینی به این نتیجه می‌رسد که در برجام تغییری به‌وجود نیابد. البته آن را به اروپا خواهند فروخت، در قبال جلب نظر آنها برای واردکردن فشار از نوع دیگر به ایران. آمریکا به تعهدات خود در برجام عمل نکرده و نخواهد کرد اما سایر موضوعات که مورد علاقه ایران نیست، وارد چرخه دیپلماسی می‌شود. آقای ترامپ چند روز پیش در یک مصاحبه گفت که به اروپا برای حل مسئله‌اش با ایران احتیاج ندارد. این فشاری است که به اتحادیه اروپا برای جلب نظر آنها در جهت ایجاد ائتلاف علیه ایران وارد می‌کند. ۵. سعی کردم فاصله بین اروپا و آمریکا را از زاویه فهم خودم بیان کنم.

برجام نوشته و خواستار پیگیری شده است، اما این موضوع که اروپا تا چه زمانی همراهی‌اش را با برجام ادامه خواهد داد، سؤالی تأمل‌برانگیز است. این موضوع را در قالب پنج سؤال با «محمدحسین ملایک»، سفیر اسبق ایران در سونویس و چین و «حمید کریم‌نیا»، دیپلماتی که سابقه کار در کشورهای اروپایی را دارد، در میان گذاشتیم که پاسخ‌هایشان را در ادامه می‌خوانید. سؤال‌ها به شرح زیر بوده است:

۱- اروپا در واکنش به سخنان ترامپ، موضع‌گیری جدی در حمایت از برجام نشان داد. این واکنش تحلیل‌های متفاوتی در برداشت اعم از اینکه انتفاع اروپا از برجام موجب آن شده است. تحلیل شما از این حمایت تمام‌قد اتحادیه اروپا و سران اروپایی از برجام چیست؟

۲- رهبران فرانسه، انگلیس و آلمان از برجام حمایت ویژه‌ای کردند. این را در نشست بروکسل هم اعلام کردند. به نظر شما کدامشان رهبری این حمایت را در دست خواهد گرفت؟ انتفاع ایستادن پشت برجام و مقابله با

پیشگیری از هرج‌ومرج احتمالی آینده



حمید کریم‌نیا
دیپلمات

۱. رویکرد اروپا نسبت به موافقت‌نامه برجام مبتنی بر حفظ اصول و مقررات بین‌المللی است. به این معنی که همچنان که جمهوری اسلامی ایران نیز مکرراً اعلام کرده، این موافقت‌نامه یک سند بین‌المللی است و دولت یک کشور که قلاً آن را امضا کرده در زمان دیگر نمی‌تواند آن را به‌طور یک‌طرفه لغو کرده یا از آن خارج شود. از این جهت اختلاف نظر اروپا و آمریکا در این رابطه یک جنبه حقوقی دارد و کلاً اروپایی‌ها نسبت به این نوع تعهدات مایل‌اند در قبال آنها حتی‌المقدور باقی بمانند.

۲. تصور می‌کنم این حمایت‌ها از دو جنبه قابل بررسی باشد: یک جنبه حقوقی، همچنان که اشاره شد، و یک جنبه سیاسی و تجاری. از جنبه سیاسی و تجاری نیز وضعیت متفاوت خواهد بود. به این معنی که روابط سیاسی و اقتصادی اروپا و آمریکا در موقعیتی است که نظرات آمریکا مورد ملاحظه قرار می‌گیرد. اینکه کدام یک از این سه کشور اروپایی برای حمایت از ایران رهبری آن را بر عهده خواهد گرفت، شاید مجهول باشد. به‌طور مسلم هریک از این سه کشور علاقه دارند بدون دردسر روابط تجاری گسترده‌ای را بعد از لغو زمینه‌ای اخیر با ایران برقرار کنند. اما با راهبردی که دولت ترامپ در قبال ایران در پیش گرفته، معلوم نیست که آنها تا چه اندازه بتوانند نسبت به ایجاد روابط تجاری با ایران راه‌ها را بکشایند. در این رابطه مباحث فنی بانکی و مالی نیز مطرح است که جای بحث خود را دارد. همین‌قدر می‌توان گفت که در این مورد مشکلات بانکی و مالی از قبل مرتفع نشده و در صورت اجرای تحریم‌های تازه‌تر از سوی آمریکا این مسیر نیمه‌طی‌شده با مگانیم‌های تازه‌تر از سوی آمریکایی‌ها و نهادهای بین‌المللی مرتبط سخت‌تر خواهد شد.

۳. اینکه فرانسه و آلمان از گذشته به‌عنوان کشورهای اصلی اروپایی نقش «رهبری» اروپا را داشته موضوع تازه‌ای نیست. در رابطه با همکاری اروپا و ایران و نقش فرانسه در این رابطه، تصور می‌کنم اگر چنین اتفاقی بیفتد، تلاشی خواهد بود که اروپایی‌ها می‌خواهند موقعیت تجاری به‌وجودآمده در ایران را حفظ کنند. در اینجا باید به این نکته هم اشاره کنم که با توجه به اینکه اصولاً رویکرد حاکم بر دولت ترامپ یک رویکرد تجاری است، اگر این دولت موفق شود با وجود تحدیدات

ترامپ برای کدامشان بیشتر است؟ ۳- برخی تحلیل‌ها مبنی بر این است که مکرون تمایل دارد نقش رهبری معنوی سران اتحادیه اروپا را در دست بگیرد. شما تصور می‌کنید این رهبری به او واگذار می‌شود؟ سفرش به ایران هم می‌تواند در این راستا باشد؛ درحالی‌که نه تراز می و نه مکرل هیچ‌کدام قصد سفر به ایران نداشته و ندارند. ۴- قرار است موگرینی به واشنگتن سفر کند و با مقامات آمریکایی رایزنی کند، شما فکر می‌کنید او بتواند تغییری در استراتژی‌های ضدبرجامی واشنگتن ایجاد کند؟ ۵- جمع‌بندی آنچه بین اروپا و آمریکا رخ داده نشان می‌دهد این دو قطب برخلاف همیشه بر سر برجام از هم فاصله گرفته‌اند. درحالی‌که پیش‌تر درباره اقدامات ضدایرانی نوعی هم‌پوشانی شگفت‌انگیز داشتند. به نظر شما این شکاف تا چه زمانی استمرار می‌یابد؟

و فشارهای تازه در برنامه خود، به نحوی قراردادهای قبلی از قبیل خرید هواپیمای بوئینگ را حفظ کند، ترجیح می‌دهد حداقل این قرارداد بزرگ را در کنار اروپایی‌ها به انجام برساند. از طرف دیگر در تحریم‌های گذشته فشار کمپانی‌های بزرگ اروپایی و حتی آمریکایی به‌حدی بود که هرچه زودتر می‌خواستند توافق‌نامه برجام به امضا برسد و تحریم‌ها برداشته شود. از این رو در این دور تازه برای آمریکایی‌ها خیلی سخت خواهد شد تا بار دیگر اروپایی‌ها را متقاعد کند تا این بازار بزرگ را از دست بدهند. به‌تاریکی خود ترامپ هم اعلام کرده اروپایی‌ها می‌توانند این روابط را با ایران داشته باشند و این هیچ صدمه‌ای به آمریکا نمی‌زند! در حالی‌که اگر نظریه تحریم‌ها بر نظریه حفظ قراردادهای منعقدشده قبلی پیشی بگیرد، این یک امتیاز برای اروپا برای حفظ روابط تجاری‌اش با ایران خواهد بود. اما در مورد قراردادهای آینده نمی‌توان پیش‌بینی کرد. به همین جهت رهبری مکرون در قبال ایران در این قالب می‌تواند بررسی شود. ۴. دبدار رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا در قالب حفظ موافقت‌نامه برجام در چارچوب روابط بین‌الملل قابل درک است و وی قصد دارد دولت ترامپ از متقاعد کند که به این تفاهم‌نامه متعهد باقی بماند و پیامدهای خروج آمریکا از این تعهدنامه را در نظر بگیرد. آمریکا همواره از گذشته خود را نسبت به تعهدات بین‌المللی چندان مقید نمی‌دانسته، از همین‌رو در آینده هرگونه سند بین‌المللی دیگر را می‌تواند از هر طرف که بنا بر دلایلی مغایر با منافع خود بدون درآچر شبهه و تردید کند و در نتیجه در آینده هیچ قرارداد و تفاهم‌نامه بین‌المللی حداقل از سوی کشورهای قدرتمند جدی تلقی نمی‌شود. این بحثی است که در حال حاضر در روابط بین‌المللی وجود دارد و موگرینی قصد دارد از این هرج‌ومرج احتمالی برای آینده جلوگیری کند.

۵. به‌نظرم نمی‌توان میان آمریکا و اروپا دو قطب متمایز تصویر کرد. این دو بلوک اقتصادی و سیاسی در حوزه تمدنی مشترک بوده و هستند. از این رو هرگونه اختلاف دیدگاه میان این دو جنبه کارشناسی و راهبردی دارد. در عین حال به دلیل اشتراکات متعدد و پیوندهای مختلف نمی‌توان انتظار داشت که بر سر یک مورد نظیر برجام چیزی به نام فاصله‌افتادن میان این دو بلوک اتفاق بیفتد. این مورد ما را به یاد «نظریه قدیمی سه جهانی» مانو (رهبر گذشته چین) می‌اندازد. در حالی که شاهد هستیم این اتفاق حاصل نشده و اروپا و آمریکا هر دو به‌صورت رقیب مثبت در چین حضور گسترده اقتصادی و تجاری دارند.

ادامه در صفحه ۱۹

شمارهٔ ۴۶ اندیشهٔ پویا منتشر شد



نمی‌خواهم تکر و باشم

شرح یک زندگی سیاسی-سازمانی
گفت‌وگو با مصطفی تاج‌زاده
در مجاهدین انقلاب چندبار شلاق خوردم
اختلاف من با بهزاد: از ما انتظار چریک بودن داشت
بر خورد «سلام» با هاشمی شخصی بود
یک‌جا باز نشست شویم و نسل ما یکشد کنار

الیگارش‌ی اصلاح طلبی و اصلاحات ژنتیکی

گفت‌وگوی دوجانبهٔ
دو نسل اصلاح طلب

با حضور:
علی‌سیاسی‌راد، سعید شریعتی
حجت شریفی، عماد خاتمی
و همراهی:
محسن میردامادی، عباس عبدی

روشنفکری ایرانی
اصلاح و انقلاب

کارل پوپر و دشمنان آن در ایران
با آثاری از: علی‌پایا، حسین کمالی
بیژن عبدالکریمی

روبه‌مرگ
پشت‌به‌زندگی

ادبیات دپرسینوی
و نویسندهٔ ایرانی
میزگردی با حضور:
محمد صنعتی و حورا یآوری

روزنه

نقش اروپا در آینده برجام
و راهبرد جدید آمریکا

کوروش احمدی

● حدود دو هفته بعد از سخنرانی ترامپ درباره برجام، اکنون کم‌وبیش روشن است که اولاً اروپا نقش مهمی در تصمیم نهایی آمریکا برای برجام خواهد داشت و ثانیاً مذاکرات دو طرف درباره ایران که در چند ماه گذشته در جریان بوده، بعد از اعلام راهبرد جدید ترامپ وارد مرحله جدی‌تری شده است. اهرم‌هایی که اروپا در این رویارویی در اختیار دارد، عبارت‌اند از:

۱- سناي آمریکا در روزهای اخیر به نحو فزاینده‌ای بر ضرورت هماهنگی دولت ترامپ با اروپا درباره برجام تأکید کرده است. دموکرات‌های کنگره مشخص کرده‌اند در صورت همراهی‌نکردن متحدان اروپایی حاضر به تأیید هیچ طرحی درباره برجام نیستند. سناتوَر کاردین که دموکرات ارشد در کمیته خارجی سناست و در سال ۲۰۱۵ یکی از چهار سناتوَر دموکراتی بود که به جمهوری‌خواهان مخالف برجام پیوست، به‌تازگی ضمن تأکید بر اینکه «ما نمی‌خواهیم به کاری دست بزنیم که در حکم نقض برجام باشد، بر اهمیت هماهنگی با اروپا تأکید کرد. بیشتر جمهوری‌خواهان نیز در این رابطه با دموکرات‌ها هم‌نظر هستند. ۲- تومسل به «مقررات حفاظت در برابر اعمال فراملی قوانین یک کشور ثالث»، حربه دیگری است که اروپا می‌تواند برای خنثی‌کردن آثار فراملی تحریم‌های احتمالی آمریکا داشته باشد. این مقررات در نوامبر ۱۹۹۶ به تصویب شورای اروپا رسیده و برای خنثی‌کردن تحریم‌های فراملی آمریکا علیه ایران و کوبا در آن دوره به‌کار گرفته شد. هر چند نقطه ضعف این مقررات این است که شرکت‌های اروپایی را که زیرمجموعه شرکت‌های آمریکایی هستند، در موقعیت دشوار انتخاب بین تبعیت از قوانین اروپا یا قوانین آمریکا قرار می‌دهد. علاوه بر مقررات یادشده، اروپا همچنین می‌تواند دعاوی مربوطه را به سازمان تجارت جهانی ببرد. امکان دست‌زدن به اقداماتی علیه شرکت‌های آمریکایی با هدف مقابله‌به‌مثل نیز می‌تواند در دستور کار قرار گیرد.

۳- نقطه قوت دیگر اروپا می‌تواند اکراه شماری از کشورهای آسیایی مثل هند، چین و... به همسویی با آمریکا در صورت اعاده تحریم‌های هسته‌ای باشد. نتیجه بررسی‌هایی که از سـوی گروه مالی گلد‌ساکس و اوراسیا در روزهای اخیر انتشار یافته، حاکی از آن است که ممکن است اعاده تحریم‌های هسته‌ای موجب کاهش صادرات نفت ایران تنها در حد چند صد هزار بشکه در روز شود؛ چرا که ممکن است بخشی از نفتی که در این صورت شرکت‌های نفتی اروپایی نخواهند خرید، راهی برخی مقاصد آسیایی شود. با وجود نقاط قوت یادشده، اروپا نقاط ضعف درخور توجهی نیز در برابر آمریکا دارد که عبارت‌اند از:

۱- اروپا از نظر حفظ امنیت خود وابستگی بسیار بالایی به چتر امنیتی آمریکا دارد. ارتش‌های اروپایی در چند دهه اخیر به نحوی فزاینده در مقایسه با ارتش‌های آمریکا و روسیه عقب‌گرد داشته‌اند. بحران‌های بالکان در دهه ۱۹۹۰ نشان داد اروپا بدون کمک آمریکا حتی قادر به حل معضلات امنیتی در حیط خلوت خود نیز نیست.

ادامه در صفحه ۱۹

پرونده‌ای به‌مناسبت
۱۰۰سالگی انقلاب اکتبر

بیماری
کودکی
چپ‌روی

تلاش‌های ناکام چپ ایرانی
برای تکرار انقلاب روسیه

با آثاری از: بابک احمدی
حمید شوکت، کاوه بیات
مهدی پرتوی، آتابک فتح‌الله زاده
انوش صالحی، مسعود کوهستانی‌نژاد
بابک امیرخسروی، حمید احمدی
و ترجمه‌هایی از:
بیژن اشتری، مرژده دقیقی

پیکرلنین
سخن می‌گوید

پژوهشی دربارهٔ دانش سِری
نگهداری از جسدلنین